

برای آزادی پول‌های منجمد شده افغانستان در نیویورک. بحث دیگر هم در بدنه حکومت برای حفظ امنیت باید از تمام طیف‌ها و از تمام ظرفیت‌ها استفاده شود. این مطالب را گفتیم. فقط من آنقدر متوجه می‌شدم که آقای رئیس‌الوزرا فقط می‌گفت شعد، شعد، شعد یعنی خیلی خوب! هر مطلبی که ما می‌گفتیم ایشان هم یک لبخند ملیحی داشت و بعد سرش را تکان می‌داد می‌گفت شعد. بعد از صحبت‌های ما، ایشان امیرخان متقی را صدا کرد. آمد پیششان و بعد در رابطه با مشکلات مهاجرین گفت شما باید یک کسی را مسئولیت بدهید که مشکلات مهاجرین را بررسی کند. یک آقای به نام آقای مولوی خروطی وزیر مهاجرین بود یا مسئول اداره امور مهاجرین، ایشان را طلبید و دستور داد که مشکلات مهاجرین را بررسی کنید. باز دوباره وقتی صحبت‌ها تمام کرد، آقای رئیس‌الوزرا از سر صندلی خود بلند شد و سمت من آمد. باز هم ایشان روبوسی کرد و دست ما را گرفت و آورد کنار خودش نشستیم. باز وقت نماز مغرب و عشا شد و آقای رئیس‌الوزرا دست من را کشید طرف خودش. نماز را خواندیم و به آقای امیرخان متقی گفتم که اجازه هست ما با شما یک عکس بگیریم؟ گفت نه عکس در مسجد حرام است. در تمام گفتمان آن شخصیت‌ها هم ملا یعقوب، هم وزیر خارجه، هم رئیس‌الوزرا بحث وحدت و همدلی مطرح بود. بحث اینکه اینجا شیعه و سنی وجود ندارد، بحث اینکه این کشور مربوط به این مردم است و... ولی خب در پایین دست طالبان مثلاً مسئولین زیر دست و پایین شان ممکن است خطاهایی داشته باشند ولی من شخصاً برآوردم که چهره به چهره با آنها صحبت کردم این است که آنها خواهان این نیستند که در افغانستان فقط اهل سنت و پشتون حاکم باشند. آنها خواهان

یک حکومت همه شمول هستید؛ یعنی بهترین راهی که می‌تواند افغانستان را ننگه دارد همین است. یک قوم در افغانستان نمی‌تواند حکومت کند. از این مولوی‌ها پرسیدم چرا حکومت شما همه شمول نیست؟ همه‌اش چرا پشتون است؟ ایشان یک حرفی زد من قانع شدم. گفت بین شما اگر بودید همین کار را می‌کردید. به دلیل اینکه ما ۲۰ سال جنگیدیم، در طی این بیست سال ما شهید دادیم، اسیر دادیم، یک شب در خانه خود آرام نخواستیم، از زن و بچه خبر نداشتیم،



امیرخان متقی  
وزیر خارجه

از زندگی خبر نداشتیم، از تعطیلی و عید خبری نبود. ما در کوه و صحرا زندگی سختی را سپری کردیم، ما به راحتی دشمن را نتوانستیم شکست بدهیم ولی الان وقتی به این سختی، حکومت را گرفتیم حالا تا یک قانون درستی درست نشود، تا یک قانون اساسی تدوین نشود، تا یک راهکار مناسب سنجیده نشود این حکومت باید به دست ما باشد. اگر مثلاً فرض کنید بخواهیم رئیس یک وزارت طالب باشد، معاونش غیرطالب باشد برای ما خطر است فعلاً. حرف درستی است. گفت اگر شما بودید هم همین کار را می‌کردید. گفت ما به راحتی به دست نیاوردیم که به راحتی از دست بدهیم. این مسأله هست، باز نکته دیگری که در این سفر برای من خیلی جالب بود بحث تأسیس شورای حل منازعات اهل تشیع افغانستان بود که رئیس این یک مولوی هست